



نگارخانه یادگار آهنگساز

یادداشتی بر کنسرت گروه عارف از حاشیه به متن

عین الله مسیب زاده

زمانی که هسته‌ی اصلی گروه عارف در رادیو ایران و سپس در مرکز حفظ و اشاعه در سال‌های ۵۲-۵۳ با همکاری برچسته‌ترین نوازندگان جوان آن عصر شکل گرفت، اهرم مکمل خلق آثار جاپودیان در موسیقی ایرانی مهیا گشت. تجربه‌ی چند ساله‌ی پروژه مشکاتیان، سرپرست و دیگر اعضا، و البته انسجام گروه عارف، همدلی بین اعضای آن و بعدها شور و هیجان ناشی از شرایط انقلاب، موجبات خلق آثار منحصر به فردی را فراهم ساخت که امروزه در آلبوم انفعالات موسیقی کلاسیک ایران، بیشترین و حتی نخستین صفحات را به خود اختصاص می‌دهد. تأثیر شهودی نوازندگی مشکاتیان در نوازندگان متأخر سننور، تأثیر سبک آهنگسازی اوپوزه در تصنیف‌سازی و تأثیر موزیکالیت، سونوریت، آنسامبل و ارکستراسیون گروه عارف در سایر گروه‌ها و نغلی آن در گروه‌های مشتق از خودش که بعدها توسط اعضای برچسته‌ی گروه هنری عارفین تحت عنوان «کامکارگاه»، «دستانه»، «آوات»، «وزیری» و ... شکل گرفتند، نمودی اجرا و ارائه‌ی موسیقی ایرانی را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد، به طوری که به روشنی، با استناد به آثار تولید و عرضه شده به وسیله‌ی گروه عارف، می‌توان گواهی داد که در کارنامه‌ی رشد و بلوغ هنری اغلب خوانندگان و نوازندگان طراز اول عصر حاضر، همکاری با گروه عارف و شخص مشکاتیان نقطه‌ی عطفی محسوب می‌شود.

پروژه مشکاتیان در خانواده‌ی فرهنگی و با شرایط اجتماعی مطلوب دیده به جهان گشود و از همان خردسالی با یاری پدرش قدم در وادی موسیقی ایرانی نهاد و سننور را شمع راه خویش گردانید. با ورود به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران و تلمذ در محضر استادانی چون «مسعودیه»، «صفوت» و «برومند» جلالت تعلیم و ممارست در موسیقی جدی و کلاسیک ایرانی را چشید و به این ترتیب نخستین گام‌های مصر و معصوم در مسیر تحسین علم و کسب مهارت و شناخت این نوع موسیقی را برداشت. وی در ادامه، پای به جدی‌ترین و تأثیرگذارترین کانون آموزش و پرورش موسیقی دانات یعنی «مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی» گذاشت که او را پیش از پیش پخته و مهیا ساخت و قابلیت‌ها و مهارت‌هایی نظیر تکنیک در غور نوازندگی ساز سننور، معلومات شایان موسیقی و ردیف، درک صحیح زیبایی‌های موسیقی ایرانی، قدرت تمایز سره از ناسره و البته مسئولیت‌پذیری هنری- اجتماعی را در او گرد آورد.

میرهن است وقتی به اکسیر ذوق سلیم، طبع لطیف و فربه‌ی برحلاوت وی، آشنایی با ادبیات موزون ایرانی و دانش نوازندگی ساز سه تار نیز افزوده شد، سرچشمه‌ی مهم الحان و آهنگ‌هایی گشت که در وصف آنها سخن بسیار به میان آمده است.

هم از این روست که نقش شخص و برچسته‌ی مشکاتیان در موسیقی ایرانی و البته تأثیر و عوارض منفی ناشی از عدم حضور هفت ساله‌ی او اجنبی مضاعف پیدا می‌نماید. یوزده این که هفت سال پیشتر از این - در آغاز انزوا - مشکاتیان در سن ۲۲ سالگی و به تعبیری در اوج سلامت جسمانی و بلوغ فکری و توان ثمردهی قرار داشته است و انتظار این می‌رفت که حداقل تا دو دهه دیگر، موسیقی و در واقع موسیقی‌دانان و مهم‌تر از همه هنرجویان و دانشجویان جدی موسیقی و ساز سننور از منبع معلومات او بهره‌ها ببرند و گنجینه‌ی موسیقی ایرانی هر چه بیشتر مری به آدین الحان و آهنگ‌های او شود.

وقتی هیاهوی به روی صحنه رفتن مجدد گروه «عارف» در روزهای دهم و یازدهم دی ماه سال جاری در نشریات و رسانه‌ها طنین انداخت، مشتاقان بی‌درنگ قول استماع دوباره ترنم نغمات شیرین و زیبایی گروه عارف با صدای «شهرام ناظری» را به ضمیر خود دادند و این اشتیاق ناب لعل رنگ و با صدای مشکلات نهی‌ی بلیت (گرتی) عدم دسترسی (آسان) و تحمل نشریات متعلق بنادر پیش از اجرا و یا بهتر بگوییم بی حرمتی‌های مسوولین درب ورودی، بی نظمی در سائ، تأخیر طولانی، سرگردانی در خیابان‌های اطراف محل اجرا برای پارک اتومبیل و از همه بدتر انتظار یک ساعت و بی دلیل در هوای سرده زمستانی جلوی درب ورودی وزارت کشور در شب نخست، را به علاقه‌مندان می‌داد تا این که لطمه‌ی شروع اجرا فرساید اما متأسفانه اجرای طولانی و بدون تنفس، تکواری‌های بی موقع و زیاد و گاهی تنها برای گرداندن وقت برنامه، امتناع ناظری از عرضه‌ی بی رویه و بی شائبه‌ی صدای خویش، متونولیکی بودن صدای هفده ساله که گویا فقط برای ایجاد حجم و نه برای تنوع رنگ و تنظیم در کنار یکدیگر قرار گرفته بودند، عدم چیدمان صحیح و مغلوب قطعات با کلام و بی کلام، آفت نفس ولی مشهود مشکاتیان و افراد دیگری از نوازندگان از نظر تکنیکی در عین جوانی که در واقع باید سال‌های اوج مهارت‌های این نوازندگان باشد، عدم وفاداری به مواد اعلام شده در بروشور برنامه و اجرا نکردن تعدادی از آهنگ‌ها که مورد انتظار شنوندگان بود و تألم بر انگیزتر از همه بی‌حیولی مشهود گروه برای اجرا یوزده در شب اول بود. طوری که گویی گروه تنها برای شب دوم که مدعوین ویژه‌تری داشته است دورخیز نموده و متأسفانه علاقه‌مندان حاضر بی‌حسب گشت که از قضا دشواری‌های بسیاری را هم قبل از برنامه به جان خریدند جدی گرفته نشده بودند. در مجموع اجرا اخیر گروه پرآوازه‌ی عارف متأسفانه بر آورده کسندی انتظار مشتاقان و صاحب نظران نبود. این درست همان موضوع

و مشکلی است که در مقابل توقع محفان‌ی هنرجویان و دانشجویان و نوازندگان و موسیقی‌دانان جوان در بهره‌مدی آکادمیک و سننور از پرویز مشکاتیان ۲۹ ساله، که که در اوج سن تجربه و ثمردهی است، قرار دارد. در نگاه اول علت‌ها متوجه غیبت هفت ساله‌ی پرویز مشکاتیان و گروهش می‌شود اما نکته‌ی حائز اهمیت چرایی این غیبت است نه خود آن. این امر در سه محور اجتماعی، دلایل شخصی خود استاد و بی توجهی مسوولین قابل بررسی است، محور اجتماعی آن که جنبه‌های جامعه‌شناسی و آسیب شناسی هنری پیدا می‌کند نه در صلاحیت نگارنده است و نه در حیطه‌ی موضوع این مجال، در مورد دو محور دیگر به سنده به تما و تفاضل مسوولین و خود استاد می‌کنیم.

هنر به صورت باقوه مغوله می‌شود و قابل لمس و حتی حمایت و آسیب شناسی نیست. هنر تجلی احساس و بیان شخصی و تعلق‌گامی و عشق در وجود هنرمند است و این هنرمند بآب است که هنر ناب خلق و تولید می‌کند. این هنرمند است که باید حمایت شوند هنر، آسایش هنرمند در زندگی محور محرکه‌ی آفرینش‌های هنری و سلامت و آرامش فکر و آفرینش‌های هنری این آفرینش‌ها خواهد. روح او، متضمن کیفیت این آفرینش‌ها خواهد. در هنرندان میراث فرهنگی و مایه‌ی فخر و مباحث این سرزمین هستند، یوزده در مورد موسیقی اصیل ایرانی که فاخرترین هنر ایرانی قلمداد می‌شود، سر سرازور است که این دانشه‌ها و برورداری‌ها را پاس داشته و ارج بنهیم، لذا از مسوولین ذی ربط و کارداران تاثیرگذار متنازیم طوری استرالی‌های هنری خود را تعیین و پاده که زمینه برای حضور فعال تر هنرندان می‌شود و نگارنده درباره این وصل هجران ■

نقش
شخص و برچسته‌ی
مشکاتیان
در موسیقی ایرانی
و تأثیر و عوارض منفی
ناشی از عدم حضور
هفت ساله‌ی او
بر هیچ کس
پوشیده نیست

